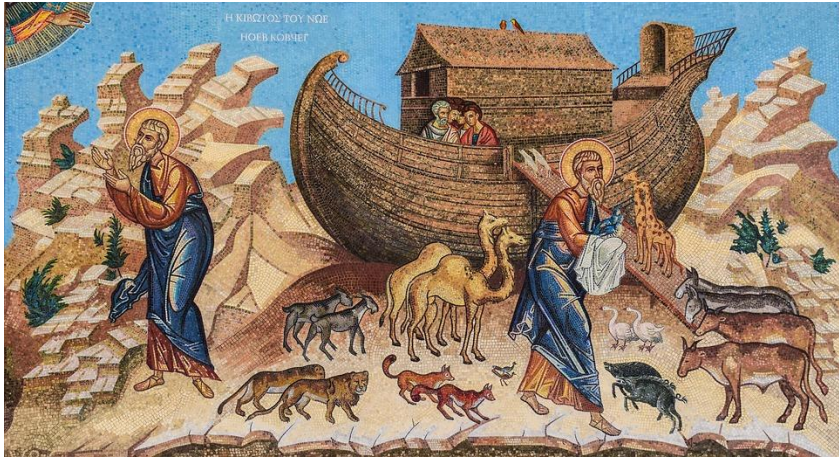


کاپیتان نوح اجازه دارد تا آزاد شود.

پیدایش ۸ ، ۱۵-۲۲

خدا به نوح فرمود «16: تو و زنت و پسرهایت و عروس‌هایت از کشتی بیرون بیاید 17. تمام حیواناتی که نزد تو هستند، تمام پرندگان و چارپایان و خزندگان را هم بیرون بیاور تا در روی زمین پراکنده شوند و به فراوانی بارور و کثیر گردند 18.» پس نوح و زنت و پسرهایش و عروس‌هایش از کشتی بیرون رفتند 19. تمام چارپایان، پرندگان و خزندگان هم با جفتهای خود از کشتی خارج شدند.



20 نوح، قربانگاهی برای خداوند بنا کرد و از هر پرنده و هر حیوان پاک یکی را به عنوان قربانی سوختنی بر قربانگاه گذرانید 21. وقتی بوی خوش قربانی به پیشگاه خداوند رسید، خداوند با خود گفت: «بعد از این، دیگر زمین را به خاطر انسان لعنت نخواهم کرد. زیرا خیال دل انسان حتی از زمان کودکی بد است. دیگر همه حیوانات را هلاک نمی‌کنم، چنانکه کردم 22. تا زمانی که دنیا هست، کشت و زرع، سرما و گرما، زمستان و تابستان و روز و شب هم خواهد بود.» پیدایش ۹ ، ۱۵-۲۰ ، ۱۵ خدا گفت: «این است نشان عهدهی که من میان خود و شما و هر جانداري که با شماست، برای همه نسلهای آینده می‌بندم. ۱۶ رنگین‌کمان خود را در ابر قرار داده‌ام، و آن نشان عهدهی خواهد بود که میان من و زمین است. ۱۷ هرگاه ابرها را بر فراز زمین بگسترانم و رنگین‌کمان در ابرها پدیدار شود، ۱۸ آنگاه عهد خود را با شما و هر جانداري که بر زمین است، یاد خواهم آورد. و آبها دیگر هرگز سیل نخواهد شد تا هر جانداري را هلاک کند. ۱۹ هرگاه رنگین‌کمان در ابرها پدیدار شود، آن را خواهم دید و عهد جاودانی میان خدا و هر جاندار را که بر زمین است به یاد خواهم آورد.» ۲۰ پس خدا به نوح فرمود: «این است نشان عهدهی که در میان خود و هر جانداري که بر زمین است، استوار ساخته‌ام.»

داستان کشتی نوح که خود نوح و خانواده او برای نجات تمام حیوانات و خودشان ساخته بودند را تمام انسان‌ها در بیشتر ادیان درک کرده‌اند. و امروزه نیز داستان نجات دادن حیوانات توسط نوح یکی از دوست‌داشتنی‌ترین داستان‌های انجیل برای کودکان می‌باشد. در واقع من فکر می‌کنم زندگی کردن در همچین کشتی باید خیلی سخت باشد. داخل آن کشتی باید خیلی بد بو می‌بوده است. و همه جا باید مدفوع حیوانات وجود می‌داشته است. و هم این شرایط باید آدم‌های خوبی مثل نوح و خانواده اش را اذیت می‌کرده است. به این دلیل ممکن است که آنها همدیگر را اذیت و عصبانی کرده باشند. و تا رسیدن آن کیوتر با برگ درخت زیتون، خیلی‌ها دیگر طاقت نداشتند. زیرا نوح نمی‌توانست در کشتی را باز کند و این عذاب برای همه دیگر طاقت فرسا شده بود. و همه کودکان و حیوانات بی‌قراری و سر و صدا می‌کردند. و کودکان می‌پرسیدند: پس ما کی می‌رسیم و تا کی باید صبر کنیم؟ در این میان نوح آرامش دیگری داشت و فقط به خدا می‌نگریست و فقط منتظر او می‌بود. نوح در این جایک داستان واقعی می‌باشد. و برای ما یک مثالی از زندگی ما می‌باشد. زیرا خداوند همیشه به ما یک مکانی برای زندگی کردن می‌دهد. بعضی‌ها مانند یک برگ در یک اقیانوس بزرگ زندگی می‌کنند. و افراد دیگر هم به آن نگاه می‌کنند. و امکان دارد که خیلی‌ها به آن شک کنند که چطور این زندگی ما امکان‌پذیر است. بعضی‌ها هم در یک مکان کوچکی زندگی می‌کنند و در آنجا مثل زندانی شده‌اند. و آنها می‌گویند که من باید تا کی در این زندان بمانم و کی آزاد خواهم شد؟ و از این بابت دیگر طاقت ندارم. بعضی وقت‌ها هم این مکان کوچک نیز برای ما نشانه‌های خوبی هم به همراه دارد مثلاً امکان دارد که کیوتری در آنجا برای ما نشانه‌ای از امید باشد و از یک جهان دیگر برای ما پیغامی به ارمغان بیاورد. عیسی به ما این نشانه‌ها را می‌دهد که همه چیز و زندگی ما در دست او می‌باشد. و ما زندگی خودمان را از او بدست آورده‌ایم. و ما می‌توانیم به روزهای خوب فکر کنیم و برای رهایی از روزهای بد دعا کنیم و امید داشته باشیم. کاپیتان نوح به ما نشان می‌دهد که این عمل چگونه امکان‌پذیر است. ما باید امید داشته باشیم و منتظر خدا بمانیم. نوح تقریباً یک سال در آن کشتی بود و خدا از پایین رفتن سیلاب به او چیزی نگفته بود. حال وضعیت چگونه خواهد شد؟ ایا خدا این حیواناتی که در مکان ناجور زندگی می‌کنند را فراموش کرده است؟ با این وجود نوح خونسردی خودش را حفظ کرد زیرا او می‌دانست که زندگی همه در دست خدا می‌باشد. و در انجایی که نوح اولین کلام خدا را می‌شنود دوباره تغییری می‌کند و بعد از پیاده شدن همه حیوانات و افراد نیز باز هم او نگاه خودش را از خدا بر نمی‌دارد. و مثل خیلی از افراد برای خودش جشن برپا نمی‌کند. و او قبل از اینکه برای خودش یک سرپناهی بنا کند، اما یک معبدی برای خداوند می‌سازد. داستان نوح خیلی تأثیرگذار می‌باشد زیرا او در دست خدا زندگی می‌کرده است. بعد از نجات آنها از

سیلاب ، سپری شدن هر روز آنها یک معجزه به حساب می آید. و یک معجزه بزرگی وجود داشت که آدم اجازه داشت تا در دستان خدا زندگی کند. و خدا این حالت را به خوبی امکان پذیر می کند. حتی در آن کشتی. اگر خدا از آنها جدا می شد شرایط بدی برای آنها بوجود می آمد. اگر ما زندگی روزمره خودمان را فقط بر مبنای یک چرخش طبیعی بگذاریم دیگر آن برای ما غیر قابل تحمل می شود و گذراندن شب و روز ، کار و تعطیلات ، زمستان و تابستان نیز برای ما سخت می شوند. حتی اگر همه چیزها را برای زندگی کردن داشته باشیم ما خود را در یک زندان می بینیم و نمی توانیم از آن آزاد بشویم. ما در یک محفظه ای گیر افتاده ایم و اگر بخواهیم از آن بیرون آییم زندگی برای ما سخت تر می شود. ولی ما به نوح نگاه می کنیم و می بینیم که انجیل به ما چه نشان می دهد: خدا نیز با آن انسان ها که به سلامت به خشکی رسیده بودند شادی می کند. و او با یک رنگین کمانی که بوجود می آورد به همه نشان می دهد که او دست های خودش را برای همیشه در بالای سر آنها برای محافظت قرار می دهد. ولی در این میان ما نمی توانیم گذشته بد انسان ها را کنار بزنیم زیرا این اعمال بد آنها بود که سبب این سیلاب گشته بود. ولی خدا همه پلیدی ها را از بین برده است و خدا خانواده نوح را با این کلام برکت داده:

« زیرا خیال دل انسان حتی از زمان کودکی بد است» قبل از سیلاب خداوند همین کلام ارمان داد. و همین کلام بعد از سیلاب تکرار کرده است. اما به نتیجه کاملاً متفاوت می رسید. خدا میل ندارد که جهان را نابود کند. و انسان ها هم بهتر از قبل نشده اند و این پلیدی در قلب آنها باقی مانده است. و پلیدی به صورت کامل بعد از آن سیلاب پاک نشده است و باز هم بدی در این جهان باقی مانده است. و همان ریشه گناهی که از آدم و حوا شروع شده بود باز هم در اینجا ادامه می یابد.

زیرا خیال دل انسان حتی از زمان کودکی بد است»

این کلمه " زیرا " که خدا قبل از لعنت انسان ها و هم قبل از برکت انسان گفته است، بایستی از آن کلمه های دلهره آور کتاب انجیل باشد. این کلامه در قدیم برای از بین بردن انسان ها بکار می رفت ولی اکنون برای نجات آنها. و این چه معجزه خوبی است. انسان ها بعد از داستان نوح باز هم گناه می کردند ولی خدا برای آنها عذاب نداد بلکه به آنها برکت می داد. و به آنها بدی نکرد بلکه آنها را حمایت کرد. و در یک عمل خیلی جالب این است که خداوند این زنجیر که با هم متصل شده بود یعنی گناه و مجازات را از هم جدا می سازد. در قدیم آفرینش و زندگی انسان ها به این بستگی داشت که آنها چگونه رفتار می کنند هم مجازات خواهد گرفتند. ولی بعد از بلای سیلاب باز هم خدا همه را دوست می دارد و آنها را حمایت می کند. این داستان نوح را خیلی از ادیان دیگر به خوبی متوجه نمی شوند و فکر می کنند که این یک داستان مجازات و نجات می باشد. ما نباید از معنی اصلی این داستان دور بشویم زیرا خدا در انجیل است که به خوبی به همه معنی آن را نشان داده است و به همه می گوید که پلیدی انسان ها همه در ریشه و وجود او قرار دارد. و این پلیدی با یک سیلاب از بین نمی رود. و این فقط خدا است که برخلاف تمام ادیان دیگر تصمیم می گیرد و او دوست دارد که باز هم همه انسانها زندگی خودشان را ادامه دهند.

حال یک سوال مهم در اینجا پیش می آید که تکلیف ما با این خدایی که اینگونه راحت درباره ما تصمیم می گیرد چه می شود. یا خدا ما را به چه آینده ای قصد دارد روانه کند. آیا خدا میلی ندارد که در ما تغییری ایجاد شود. و یا ما به خدا هیچ توجهی داشته باشیم؟ ما انسان ها شاید هم اساس زندگی مان را بتوانیم بدون خدا درک نکنیم. ما در این میان خیلی سعی کرده ایم که بدون فکر کردن به خدا زندگی کنیم. حتی اگر خدا به ما خیلی برکت داده باشد و از ما محافظت کرده باشد باز هم ما به او فکر نمی کنیم. ولی خدا ما را فراموش نمی کند و او فقط یک رنگینکمان زیبا را در بالای این دنیا بوجود نمی آورد.. خدا برای دومین بار سیلاب نازل نمی کند بلکه او برای دومین بار همه را نجات می دهد. و او یک ادم جدیدی دوباره بنا می کند و همانطوری که نوح از تاریکی بیرون درآمد ، عیسی هم از قبر بیرون می آید و بر شیطان غلبه می کند. و بعد از این عیسی ، اجتماع او خواهد آمد. و همه اینها با برنامه خاص و منظمی انجام خواهد شد همانطوری که یک نظمی که در کشتی نوح وجود داشت. همه کسانی که به عیسی ایمان دارند و با نام او غسل تعمید می شوند نجات پیدا می کنند. و همه افراد متفاوتی که به سوی عیسی می آیند ، از قبر بیرون می آیند و از تاریکی به دنبال عیسی و به روشنایی قدم می گذارند. و در جلوی این کشتی یک قربانی انجام می شود ولی این بار این قربانی یک حیوان نمی باشد بلکه شخصی پاکی به نام عیسی مسیح می باشد. و از این قربانی باید یک اجتماع پایداری به نام خداوند تشکیل شود. هر چیزی که در این دنیا رخ می دهد ما را به یاد پلیدی می اندازد که در درون انسان قرار دارد. آیا تو هنوز دست محافظت کننده خدا را می بینی؟ او قصد دارد باز کشتی و یا همان کلیساهای زیادتری داشته باشد. زیرا صبر او در این مورد زیاد می باشد. او دوست دارد که فرزندان بیشتری نجات پیدا کنند و برای همین ما اولین نشانه ها را می بینیم. ما به زودی آن سرزمین رویایی را می بینیم و دوباره عیسی مسیح را دنبال خواهیم کرد. و او را می بینیم . و ما برای همیشه با خدا خواهیم بود و او نیز در نزد ما قرار خواهد گرفت. و در آن زمان خدا دیگر این را نخواهد گفت: « زیرا خیال دل انسان حتی از زمان کودکی بد است» آمین